

بررسی میزان کاربرد نخستی‌های معنایی

کتاب پرفا ۱ (ص ۸۵-۱۰۲)

مریم پورنوروز^۱

چکیده

در این پژوهش سعی شده است به میزان کاربرد نخستی‌های معنایی در کتاب پرفا ۱ پرداخته شود تا مشخص شود این کتاب چه میزان مفاهیم نخستی‌های معنایی را که گفته می‌شود جهانی‌اند و در همه زبان‌ها وجود دارند، پوشش می‌دهد. روش تحقیق در پژوهش حاضر تحلیل محتوا و داده‌های پژوهش متن کتاب آموزشی پرفا ۱ است. ابتدا نوع و فراوانی واژه‌های کتاب، با استفاده از نرم‌افزار MOTOR ONLINE UTILITY، استخراج شده است و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل آماری انجام گرفته است. با توجه به یافته‌های پژوهش ۱۸.۷۳ درصد کل واژه‌های کتاب به نخستی‌های معنایی اختصاص دارد. پربسامدترین نخستی معنایی مربوط به طبقه کنشگرها است. توصیف‌نماها با فراوانی ۴۱، مرگ و زندگی با فراوانی ۲۰ و شباهت‌نماها با فراوانی ۸ کم‌بسامدترین مفاهیم نخستی‌های معنایی به کار رفته در این کتاب است. نخستی‌های معنایی «اگر و شاید» از طبقه مفاهیم منطقی، «لمس کردن» از طبقه کنش، رخداد، حرکت و تماس و «مردن» از طبقه مرگ و زندگی در این کتاب به کار نرفته است.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌های معنایی، فرازبان معنایی طبیعی، کتاب درسی پرفا ۱، نخستی‌های معنایی.

۱. دانشجوی وره دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدبهشتی تهران، تهران، ایران.
maryam.pournorouz98@gmail.com

A Survey of the Usage of Semantic Primes in Parfa 1 Textbook

Pournorouz, Maryam¹

Abstract

In the present study, the usage of semantic primes in Parfa1 textbook is analyzed to determine the extent to which this book covers the semantic primes; the constructs which are believed to be universal and exist in all languages. The compiled data from Parfa 1 is analyzed through the content-analysis method. First, type and frequency of words were extracted using Motor Online Utility software, and then statistical analysis was performed using SPSS software. The findings showed that 18/73 % of all words of the textbook are devoted to the semantic primes. The most frequent semantic primes are assigned to the substantives. Descriptors with a frequency of 41, death and life with a frequency of 20, and similarities with a frequency of 8 are the least frequently used semantic primes in this textbook. The semantic primes such as "If and Maybe", "Touch" from the class of action, event, movement and contact and "death" from the class of life and death are not used in this textbook.

Keywords: Semantic Universals, Parfa 1 Textbook, Natural Semantic Meta-language, Semantic Primes.

1. Ph d candidate in Linguistics, Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. maryam.pournorouz98@gmail.com

۱. مقدمه

آموزش زبان‌های خارجی که روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود، می‌تواند فرصت‌هایی را در زمینه‌های علمی و آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به‌وجود آورد و همچنین موجب پرورش قوای شناختی و رشد سریع‌تر دانش و مهارت‌های افراد گردد. بدین منظور، توجه و تمرکز بر آموزش زبان‌های خارجی ضروری می‌نماید. امروزه دستاوردهای علم زبان‌شناسی در آموزش زبان‌ها به کار گرفته می‌شود؛ از جمله این دستاوردها می‌توان به رویکرد فرازبان معنایی طبیعی^۱ و نخست‌های معنایی^۲ اشاره کرد. رویکرد فرازبان معنایی طبیعی رویکردی بحث‌برانگیز است. این رویکرد یکی از دیدگاه‌های حوزه تحلیل معنایی زبان است که طرفداران و مخالفان بسیاری دارد. با این وجود، این واقعیتی غیرقابل انکار است که فرازبان معنایی طبیعی یکی از پیشرفته‌ترین، زایاترین و گسترده‌ترین نظام‌های تحلیل معنایی و زبان‌شناسی معاصر است. (گودار^۳ و ویرژیبتسکا^۴، ۱۹۹۴) این رویکرد تاکنون در مورد بیش از سی زبان در سراسر جهان به محک آزمون گذاشته شده‌است. در این رویکرد، ادعا این است که هسته کوچکی از معانی جهانی - نخست‌های معنایی - وجود دارد که از طریق واژه‌ها و دیگر عبارات‌های زبانی در همه زبان‌ها قابل بیان است. این هسته مشترک معنایی می‌تواند برای تحلیل فرهنگی و زبانی به کار رود. برای توضیح معانی واژه‌های پیچیده و فرهنگ ویژه و ساخت‌های دستوری (با استفاده از وصف‌های معنایی) و برای بیان ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگ ویژه (با استفاده از وصف‌های فرهنگی). (گودار، ۲۰۱۴) مفهوم واژگان اصلی یا پایه به این ایده بستگی دارد که برخی معانی ساده‌تر از بقیه هستند و نیز معانی ساده‌تر به منظور توضیح و درک معانی پیچیده‌تر ضروری و سودمند هستند. مک کارتی^۵ (۱۹۹۰:۴۹) در کتاب خود، واژه، می‌گوید: «این ایده که ممکن است واژه اصلی یا پایه در هر زبانی وجود داشته باشد و برای مریبان زبان جالب باشد، اگر آن واژه را مجزا کنیم، می‌توانیم یادگیرندگان را با یک مجموعه از واژه‌های اصلی قابل استفاده تقریباً در هر موقعیتی مجهز کنیم.» در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان منابع و کتاب‌های بسیاری تألیف شده‌است که از جمله آنها می‌توان به مجموعه آموزشی «پرفا» اشاره کرد. «پرفا» مجموعه‌ای جامع در آموزش چهار مهارت اصلی زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان است. این مجموعه شامل سطوح پایه، میانی و پیشرفته و برای فارسی‌آموزان به منظور استفاده کاربردی از زبان فارسی در زندگی روزمره بسیار کارآمد است. پژوهش حاضر به بررسی میزان کاربرد انواع نخست‌های معنایی در کتاب پرفا ۱ (سطح پایه) می‌پردازد تا مشخص شود که این کتاب چه میزانی از مفاهیم نخست‌های معنایی را که گفته می‌شود جهانی‌اند و در همه زبان‌ها وجود دارند، پوشش می‌دهد؟ همچنین پربسامدترین و کم‌بسامدترین نخست‌های معنایی به کار رفته در این کتاب کدامند و کدامیک از

نخستی‌های معنایی در این کتاب به کار برده نشده‌اند؟ تا کنون پژوهش‌های متنوعی دربارهٔ رویکرد فرازبان معنایی طبیعی و نخستی‌های معنایی انجام شده‌است؛ هرچند مطالعهٔ مشابه با پژوهش حاضر دربارهٔ کتاب‌های آموزشی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان انجام نگرفته‌است.

۲. مرور پیشینه

ویرژبیتسکا و گودار (۲۰۰۷) سه کتاب درسی مقدماتی را که برای فراگیران انگلیسی‌زبان در نظر گرفته شده بود، مورد بررسی قرار دادند: *The German Deutsch Heute* (مولر و همکاران، ۲۰۰۵)، *The Korean 1* (موسسهٔ آموزشی زبان، دانشگاه ملی سئول). بررسی‌ها نشان داد در ۵۰۰ مورد واژگان اول، تعداد نخستی‌های معنایی به کار رفته در *(Korean 1)* حدود ۳۰ مورد، در *(Deutsch Heute)* حدود ۴۰ مورد بود. حتی در بهترین متن (از این نظر)، به طور کامل، یک سوم فهرست اصلی در برنامهٔ واژگانی اولیه معرفی نشده‌است. به‌طور قابل توجهی، در هیچ کدام از این سه متن، نخستی‌های معنایی «شبیبه، یکسان، اتفاق افتادن، وجود داشتن، بخش یا نوع» در میان ۵۰۰ واژهٔ اول وجود نداشتند. هر چند این واژه‌ها برای فراگیر زبان مبتدی واژه‌های با ارزشی به‌نظر می‌رسد. در متون چینی و کره‌ای مواردی همچون «شاید، دیگر و زیرا/چون» معرفی نشده و همچنین پوشش کاملی از حوزه‌های زمانی و مکانی ارائه نشده بود.

فرانسیسکا تروبووسک درویناک^۶ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به مرور برخی فرضیه‌های اساسی درخصوص نخستی‌های معنایی و ارزیابی قابلیت اجرای فرازبان معنایی طبیعی در ترجمهٔ بینا فرهنگی می‌پردازد. نظریهٔ فرازبان معنایی طبیعی که توسط آنا ویرژبیتسکا و همکارانش تدوین شده‌است، مجموعه‌ای جهانی از نخستی‌های شناختی به‌دست می‌دهد که در همهٔ زبان‌های طبیعی^۷ واژگانی شده‌اند و در ترکیب با جملات استاندارد از الگوهای نحوی اساسی، فرازبان معنایی طبیعی را تشکیل داده‌اند. فرازبان معنایی طبیعی به عنوان جایگزینی برای تعاریف وابسته به فرهنگ‌نویسی سنتی واژه‌ها، تحلیل معنایی مولفه‌ای و به عنوان حد واسط مشترک^۸ است که به عنوان ابزار بسیار مؤثر در ترجمهٔ واژه‌های خاص فرهنگ ارائه شده‌است.

طاهری اردلی و جهانگردی (۱۳۸۹) با بررسی تعدادی از مدخل‌های فرهنگ‌های تک‌زبان فارسی برخی مشکلات مربوط به فرهنگ از جمله: دچار شدن به دورپذیری در ارائهٔ تعاریف، درهم آمیختن معنی و دانش، عدم تمایز بین چندمعنایی و ابهام و... را برشمرده‌اند. نگارندگان با بررسی تعدادی از مدخل‌های فرهنگ‌های تک‌زبان فارسی اظهار داشتند که با به‌کارگیری رویکرد معنی‌شناختی NSM در نگارش

فرهنگ‌های فارسی تک‌زبان، همانند آنچه در فرهنگ زبان انگلیسی معاصر لانگمن به کاررفته و همچنین با الهام از فناوری رایانشی و زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌توان مشکلات فرهنگ را کاهش داد. سجادی و کریمی دوستان (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رویکرد فرازبان معنایی طبیعی پرداخته‌اند. نگارندگان به دنبال فراهم‌آوردن زمینه‌آشنایی خوانندگان با چارچوب فرازبان معنایی طبیعی و همچنین پژوهش در مورد زبان و گویش‌های ایرانی در این چهارچوب بودند. نگارندگان همچنین به تحلیل معنایی چند واژه‌ی زبان هورامی پرداخته و نشان داده‌اند رویکرد فرازبان معنایی طبیعی ظرفیت بالایی در توصیف معنا و بار فرهنگی واژگان زبان‌های مختلف دارد.

کریمی و مدرس خیابانی (۱۳۹۵) به بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی در کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (prospect1) پرداخته‌اند. آنها با استفاده از نرم‌افزار NSP ابتدا نوع و فراوانی واژه‌های کتاب را استخراج کرده‌اند و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تحلیل معناداری آماری پژوهش پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد توزیع فراوانی مؤلفه‌های معنایی در مقایسه با سایر صورت‌های واژگانی موجود در این کتاب بسیار کم بوده و حدود ۷/۸ درصد به نخست‌های معنایی اختصاص یافته‌است. همچنین نتایج نشان داد کاربرد کنشگرها^۸ نسبت به سایر حوزه‌های معنایی در کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (prospect1) بیشتر است و توصیف‌نماها^۹، شباهت‌نماها^{۱۰} و تشدیدکننده‌ها^{۱۱} در این کتاب به کار نرفته‌اند.

کتوروا^{۱۲} (۲۰۱۸) به مرور برخی آثار ویرژیبتسکا در رابطه با مطالعه اصطلاحات خویشاوندی^{۱۳} در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌است. وی از رویکرد فرازبان معنایی طبیعی ویرژیبتسکا به منظور توصیف معنای اصطلاحات خویشاوندی بر پایه کاربرد جهانی‌های واژگانی کمک گرفته‌است. همچنین به مزایای این رویکرد در مقایسه با دیگر روش‌های تحلیل معنا اشاره کرده‌است که می‌توان از میان آنها به غلبه بر تمایلات اروپامحوری^{۱۴} در تحلیل اصطلاحات خویشاوندی اشاره کرد.

تقوی (۱۳۹۸) کتاب «کاربردشناسی بین فرهنگی: معنی‌شناسی تعاملات انسانی» (۲۰۰۳) اثر ویرژیبتسکا را مورد بررسی و نقد قرار داده‌است. وی چارچوب پیشنهادی نویسنده را معرفی کرده و به معرفی فصل‌های کتاب پرداخته‌است. نگارنده با نقد این رویکرد و بررسی نقاط قوت و ضعف، مثال‌ها و استدلال‌های موجود در کتاب نتیجه می‌گیرد که رویکرد فرازبان معنایی طبیعی برای توصیف معنا در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف ارزشمند است.

۳. مبانی نظری:

فرازبان معنایی طبیعی و نخستی‌های معنایی

معنی‌شناسی واژگانی^{۱۵} به عنوان رشته‌ای خاص خود، در اوایل قرن نوزدهم میلادی پدید آمد. رویکردهای مختلفی در معنی‌شناسی واژگانی وجود دارد. یکی از این رویکردها، نوساختگرایی^{۱۶} است و شامل دو نظریه است: الف) مبتنی بر تحلیل مؤلفه‌ای^{۱۷} و ب) مبتنی بر روابط مفهومی^{۱۸}. «فرازبان معنایی طبیعی» یکی از نظریه‌های مبتنی بر تحلیل مؤلفه‌ای است. فرازبان معنایی طبیعی نظریه‌ای زبانی است که در اوایل سال ۱۹۷۰ پدید آمد. این نظریه بیان می‌کند هر یک از معنای مفاهیم در یک زبان طبیعی می‌تواند به وسیله نخستی‌های معنایی جهانی ارائه شود. تحقیق بر طیف وسیعی از زبان‌ها نشان می‌دهد که نخستی‌های معنایی در همه زبان‌ها نمایندگان زبانی مانند واژه‌ها یا شبه‌واژه‌ها دارند. (گودار و ویرژیبتسکا، ۱۹۹۴) امروزه رویکرد فرازبان معنایی طبیعی یکی از مستعدترین تلاش‌هایی است که در معنی‌شناسی معاصر و به منظور تعیین فهرستی از مفاهیم اولیه و جهانی انجام گرفته‌است. الگوی ویرژیبتسکا درباره توصیف معنایی بر پایه دو رکن استوار است. در واقع، یکی واژگان مفاهیم اولیه جهانی و دیگری روال ارائه توصیف معنی. در ارتباط با رکن اول، ویرژیبتسکا بر این شرط پافشاری می‌کند که تعاریف باید به زبان طبیعی و غیر فنی نوشته شوند و نه نوعی زبان صوری‌سازی شده. سپس، نخستی‌های معنایی با این ادعا که جهانی هستند، در همه زبان‌ها باید واژگانی شده باشند. کلیف گودار نماینده اصلی چهارچوب فرازبان معنایی طبیعی در کنار ویرژیبتسکا، از این شرط با عنوان فرضیه واژگانی‌شده قوی^{۱۹} نام می‌برد: مفاهیم نخستی به‌طور جهانی واژگانی شده‌اند. مفاهیمی که جهانی‌اند (در تقابل با مفاهیم مقید به فرهنگ‌های مختلف هستند) و در همه زبان‌ها از طریق یک واژه مشخص یا حداقل عبارتی مشخص بیان می‌شوند. (گیررتس، ۱۹۹۵: ۱۲۸) بیشتر از ۳۰ سال، آنا ویرژیبتسکا و همکاران به دنبال شناسایی واژه‌های اصلی – واژه‌هایی با مفاهیم پایه‌ای ساده یا نخستی‌های معنایی – بودند که یک معیار واحد را به کار می‌گیرد: دگرگفت تقلیل‌گرا/ تفسیر موجز^{۲۰}. آنها به دنبال کشف مجموعه‌ای از مفاهیم پایه درباره همه واژه‌ها و مفاهیم قابل توصیف بودند. محصول این تحقیق به طور خلاصه در جدول (۱) ارائه شده‌است. جدول (۱) فهرست نخستی‌های معنایی را که گودار (۲۰۰۲) ارائه کرده، نمایش می‌دهد.

جدول (۱) فهرست نخست‌های معنایی گودار (۲۰۰۲)

I, you, someone/ person, something, thing, people, body	کنشگرها
Kind, part	کنشگرهای رابطه‌ای
This, the same, other/ else	تخصیص‌نما
One, two, much/ many, some, all	کمیت‌نما
Good, bad	ارزش‌نما
Big, small	توصیف‌نما
Think, know, want, feel, see, hear	گزاره‌های ذهنی
Say, words, true	گفتارنما
Do, happen, move, touch	کنش، رخداد، حرکت و تماس
Be (somewhere), there is/ exist, have, be (someone/ something)	مکان، موجودیت، مالکیت، مشخصه
Live, die	مرگ و زندگی
When/ time, now, before, after, a long time, a short time, moment	زمان
Where/ place, here, above, below, far, near, side, inside	مکان
Not, maybe, can, because, if	مفاهیم منطقی
Very, more	تشدیدکننده
Like	شباهت

رکن دوم فرازبان معنایی طبیعی به عنوان «تفسیر موجز» شناخته می‌شود. در واقع ثبت تعریف معنایی هر واژه از طریق واژه‌هایی است که بیانگر مفاهیم اولیه جهانی‌اند؛ به عنوان مثال، ویرژبیتسکا واژه sad با معادل فارسی ناراحت را این‌گونه تعریف می‌کند:

مثال ۱:

X ناراحت است.

X چیزی را احساس می‌کند.

گاهی اوقات کسی به چیزی شبیه به این فکر می‌کند:

چیز بدی اتفاق افتاده‌است،

اگر من ندانم چنین چیزی اتفاق افتاده‌است،

می‌گویم: نمی‌خواهم چنین چیزی اتفاق بیفتد

من این را الان نمی‌گویم

چون می‌دانم: هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم

به همین دلیل، این فرد احساس بدی دارد

X احساسی شبیه این دارد

در عمل، اغلب در تعاریف عناصر غیر نخستی به کار می‌رود که ممکن است دوباره هر یک از این غیر نخستی‌ها را تحلیل کنیم تا به تعریفی برسیم که از نخستی‌ها تشکیل شده باشد؛ به‌عنوان مثال، تعریف ویرژیبتسکا از واژه انگلیسی green را در برابر واژه ولشی gwyrdd در نظر بگیرید. این دو واژه تقریباً مترادف هستند. اما gwyrdd به نظر می‌رسد به رنگ سبز نسبتاً زنده‌تر، روشن‌تر و تازه‌تری محدود شده‌است. ویرژیبتسکا (۷-۳۰۶:۱۹۹۶) سعی بر معرفی تفاوت بر حسب خیسی چمن پس از باران دارد.

مثال ۲:

X سبز است =

در بعضی جاها بسیاری از چیزها از زمین بیرون می‌آیند

وقتی کسی چیزی شبیه X را ببیند، می‌تواند به این فکر بیفتد

X gwyrdd است =

در بعضی جاها، چیزهایی از زمین بیرون می‌آیند

بعضی وقت‌ها در این جاها آب وجود دارد (بعد از بارش باران)

وقتی کسی چیزهایی شبیه X می‌بیند، می‌تواند به این فکر بیفتد

این مثال‌ها دیگر ویژگی مهم رویکرد ویرژیبتسکا را بیان می‌کند. اطلاعات موجود در تعریف، مختصات عینی لفظ مصداق را شامل نمی‌شود، بلکه تصورات مردم درباره آن مصداق را در بر می‌گیرد. توصیفی که پوتیه درباره انواع اسباب و اثاثیه داده‌است، نمونه‌ای از توصیف مصداقی / ارجاعی^{۳۱} است. از دیدگاه پوتیه، به شرح مختصات چیزهایی پردازیم که در دامنه مقوله chaise، canapé و ... قرار می‌گرفتند. به کارگیری این رویکرد برای اصطلاحات رنگ به معنای شناسایی فرکانس رنگ پدیده‌هایی است که در انگلیسی green یا gwyrdd در ولشی نامیده می‌شوند. اما ویرژیبتسکا مخالف این نگرش است. زیرا به نظر او، این امر را به درک مطلوبی از محتوای شناختی مفهوم موردنظر نمی‌رساند و به آنچه مردم به هنگام گفتن آنچه سبز است، فکر می‌کنند، اشاره‌ای نمی‌کند. (گیررتس، ۱۹۹۵: ۱۲۱-۱۲۰)

رویکرد فرازبان معنایی طبیعی در ارتباطات بین فرهنگی، فرهنگ‌نگاری، آموزش زبان، معنی‌شناسی

حقوقی و دیگر رشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصل اساسی در رویکرد فرازبان معنایی طبیعی این است که باید تلاش کرد معانی و مفاهیم پیچیده را به مفاهیم ساده‌تر که در میان همه‌زبان‌ها مشترک هستند، تجزیه کرد. به عبارت دیگر، معانی پیچیده را بر اساس این مفاهیم ساده توصیف نمود. (گودار، ۲۰۱۴)

۴. تجزیه و تحلیل داده

همانطور که پیش‌تر ذکر شد، پیکره پژوهش حاضر کتاب آموزشی پرفا ۱ شامل ۲۳۷۷۳ واژه (با احتساب صورت‌های مکرر واژه‌ها) است. روش پژوهش حاضر تحلیل محتوا است. به منظور انجام این پژوهش، ابتدا با استفاده از نرم‌افزار Online Motor Utility درصد و فراوانی کل واژه‌ها و نخست‌های معنایی از متن کتاب موردنظر استخراج شد. در مرحله بعد، نخست‌های معنایی طبق الگوی ویرژبیتسکا دسته‌بندی گردید که شامل: مفاهیم کنشگر، کنشگر رابطه‌ای، تخصیص‌نما، کمیت‌نما، ارزش‌نما، توصیف‌نما، گزاره‌ی ذهنی، گفتارنما، کنش، مکان، موجودیت، مالکیت، مشخصه، مرگ و زندگی، زمان، مفاهیم منطقی، تشدیدکننده و شباهت است. درصد و فراوانی نخست‌های معنایی به کاررفته در کتاب آموزشی پرفا ۱ در قالب جدول‌هایی مشخص شد. سپس با کمک برنامه آماری SPSS به تحلیل آماری داده‌های پیکره پرداختیم. آزمون کای دو^{۲۲} انجام شد و نتیجه آزمون مشخص ساخت تفاوت بین واژه‌ها از جمله نخست‌های معنایی معنادار است. در بخش زیر، درصد و فراوانی نخست‌های معنایی به کاررفته در کتاب آموزشی پرفا ۱ در قالب جدول‌هایی ارائه شده‌است.

جدول (۲) فراوانی و درصد کنشگرها، کنشگرهای رابطه‌ای، تشخیص‌نماها

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
کنشگرها		
۲.۵۸	۶۱۴	من
۵.۴۲	۱۲۸۸	تو / شما
۰.۰۰۴	۱	کسی، شخصی
۰.۰۱۳	۳	چیزی
۰.۰۰۵	۱۲	چیز
۰.۲	۴۸	افراد
۰.۰۲۵	۶	تن / بدن / محاوره: شخص

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
کنشگرهای رابطه‌ای		
۰.۰۳۸	۹	نوع
۰.۲۶	۶۱	بخش / قسمت
تشخیص‌نماها		
۰.۹۷	۲۳۱	این
۰.۰۱۳	۳	همان چیز، یکسان
۰.۱	۲۴	دیگر

جدول (۲) درصد و فراوانی نموده‌های نخستی‌های معنایی کنشگرها (ضمایر)، کنشگرهای رابطه‌ای و تشخیص‌نماهای موجود در کتاب آموزشی پرفا ۱ را نشان می‌دهد. با توجه به جدول (۲) می‌بینیم در میان کنشگرها نمود نخستی معنایی «تو/ شما» با فراوانی ۱۲۸۸ معادل ۵.۴۲ درصد کل واژه‌های متن کتاب، پربسامدترین کنشگر مورد استفاده در این کتاب است. از آنجائیکه معادل ضمیر "You" در زبان فارسی، ضمیرهای منفصل تو و شما است، فراوانی به‌دست‌آمده از مجموع این دو ضمیر است. با توجه به فراوانی بالای این کنشگر می‌توان نتیجه گرفت کتاب آموزشی پرفا ۱ توجه بیشتری به مخاطب دارد. با توجه به جدول (۲)، در ارتباط با نخستی معنایی تشخیص‌نماها، فراوانی کاربرد تشخیص‌نمای «این» بیشتر از سایر نموده‌های این نخستی معنایی است و بیانگر این است که در کتاب آموزشی پرفا ۱، به ضمیر اشاره نزدیک توجه بیشتری شده‌است. در فراگیری زبان اول نیز، معمولاً قالب‌های «این ... است» را بیشتر به کار می‌بریم. در جدول (۳)، فراوانی و درصد نموده‌های نخستی‌های معنایی کمیت‌نماها، ارزش‌نماها و توصیف‌نماها نشان داده شده‌است.

جدول (۳) فراوانی و درصد کمیت‌نماها، ارزش‌نماها، توصیف‌نماها

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
کمیت‌نماها		
۰.۹	۲۱۴	یک
۰.۳۳	۷۹	دو
۰.۰۵	۱۳	زیاد
۰.۰۰۸	۲	برخی / بعضی
۰.۰۷	۱۶	همه

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
ارزش‌نماها		
۰.۳۷	۸۸	خوب
۰.۰۸۴	۲۰	بد
توصیف‌نماها		
۰.۰۹	۲۲	بزرگ
۰.۰۸	۱۹	کوچک

با توجه به جدول (۳)، «یک» با فراوانی ۲۱۴ پربسامدترین نمود نخست‌های معنایی کمیت‌نما در کتاب پرفا ۱ است. کاربرد بیشتر واژه «خوب» با فراوانی ۸۸ نسبت به واژه «بد» با فراوانی ۲۰ نشانگر توجه بیشتر به بار معنایی مثبت در این کتاب است.

جدول (۴) گزاره‌های ذهنی، گفتارنماها، کنش، رخداد، تماس و حرکت

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
گزاره‌های ذهنی		
۰.۰۲	۵	فکر کردن
۰.۰۵	۱۳	بلد بودن، دانستن، شناختن
۰.۲۱	۵۱	خواستن
۰.۰۰۸	۲	احساس کردن
۰.۱۷	۴۰	دیدن
۰.۱	۲۵	شنیدن / گوش کردن
گفتارنماها		
۰.۱۶	۳۹	گفتن
۰.۱۳	۳۰	واژه‌ها / کلمات
۰.۱۵	۳۶	درست / صحیح
کنش، رخداد، تماس و حرکت		
۰.۳۲	۷۶	انجام دادن
۰.۰۰۸	۲	اتفاق افتادن
۰.۰۰۴	۱	حرکت کردن
۰	۰	لمس کردن

جدول (۴) فراوانی و درصد گزاره‌های ذهنی، گفتارنماها و کنش، رخداد، تماس و حرکت را نمایش می‌دهد. «خواستن» با فراوانی ۵۱ از میان نخست‌های معنایی گزاره‌های ذهنی، «گفتن» با فراوانی ۳۹ از نخست‌های معنایی گفتارنما و «انجام‌دادن» با فراوانی ۷۶ از میان کنش، رخداد، تماس و حرکت پربسامدترین‌اند. «لمس کردن» از طبقه کنش، رخداد، تماس و حرکت در این کتاب به کار نرفته‌است و فراوانی صفر دارد.

جدول (۵) مکان، موجودیت، مالکیت و مشخصه، مرگ و زندگی، زمان

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
مکان، موجودیت، مالکیت و مشخصه		
۰.۲۳	۵۴	جایی بودن / بودن در جایی
۰.۰۳	۷	وجود داشتن
۱.۲۲	۲۹۰	داشتن
۰.۶۸	۱۶۳	کسی / چیزی بودن
مرگ و زندگی		
۰.۰۸	۲۰	زندگی کردن
۰	۰	مردن
زمان		
۰.۰۸	۱۸	کی / چه وقت / زمان
۰.۴	۹۴	حالا، اکنون
۰.۰۶۳	۱۵	پیش از، قبل از
۰.۰۰۸	۲	بعد از، پس از
۰.۰۰۴	۱	مدت طولانی
۰.۰۰۴	۱	مدت کوتاهی
۰.۰۲۱	۵	لحظه

توزیع فراوانی نخست‌های معنایی مکان، موجودیت، مالکیت و مشخصه، مرگ و زندگی و زمان را در جدول (۵) مشاهده می‌کنید. نمودهای نخست‌های معنایی مالکیت و مشخصه به فراوانی در متن این کتاب به کار رفته‌است. نمود نخست‌های معنایی موجودیت در کتاب پرفا ۱ فراوانی کمی دارد. واژه «مردن» از نخست‌های معنایی مرگ فراوانی صفر دارد و در این کتاب به کار نرفته‌است.

جدول (۶) مکان، مفاهیم منطقی، تشدید کننده‌ها، شباهت‌نماها

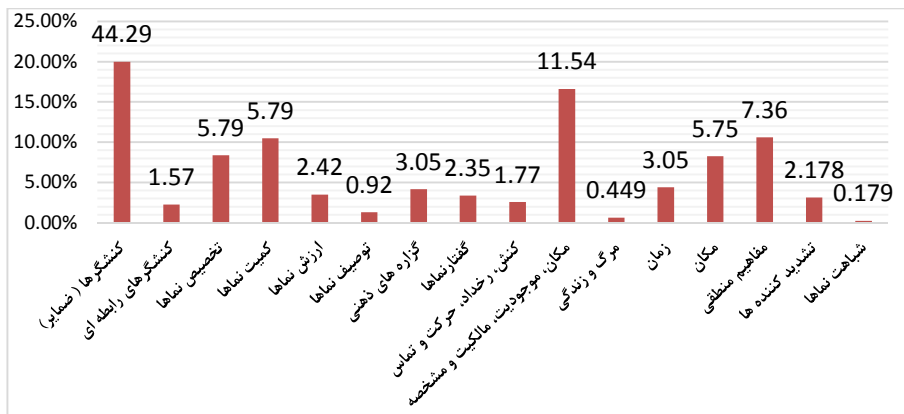
درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
مکان		
۰.۲۳	۵۵	کجا/ مکان/ جا
۰.۰۷۱	۱۷	اینجا
۰.۰۷۲	۱۷	بالای
۰.۱۶	۳۷	زیر
۰.۰۲۵	۳	دور
۰.۰۳۴	۸	نزدیک
۰.۰۶	۱۳	سمت/ طرف
۰.۰۲۵	۶	داخل
مفاهیم منطقی		
۱	۲۲۸	منفی
۰	۰	شاید
۰.۳	۶۸	توانستن
۰.۱	۲۲	چون/ زیرا
۰	۰	اگر
تشدید کننده‌ها		
۰.۳۶	۸۶	خیلی
۰.۰۵	۱۱	بیشتر
شباهت‌نماها		
۰.۰۳۴	۸	شبهه، مثل، مانند

در جدول (۶) درصد و فراوانی نمودهای نخستی‌های معنایی مکان، مفاهیم منطقی، تشدید کننده‌ها و شباهت‌نماها ذکر شده‌است. از میان نخستی معنایی مفاهیم منطقی «شاید و اگر» در کتاب پرفا ۱ به کار نرفته است. نخستی معنایی شباهت‌نما به ندرت در این کتاب مشاهده شد.

جدول (۷) مقایسه نخستی‌های معنایی در پرفا ۱

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی
۴۴.۲۹	۱۹۷۲	کنشگرها (ضمایر)
۱.۵۷	۷۰	کنشگرهای رابطه‌ای
۵.۷۹	۲۵۸	تخصیص‌نماها
۷.۲۷	۳۲۴	کمیت‌نماها
۲.۴۲	۱۰۸	ارزش‌نماها
۰.۹۲	۴۱	توصیف‌نماها
۳.۰۵	۱۳۶	گزاره‌های ذهنی
۲.۳۵	۱۰۵	گفتارنماها
۱.۷۷	۷۹	کنش، رخداد، حرکت و تماس
۱۱.۵۴	۵۱۴	مکان، موجودیت، مالکیت، مشخصه
۰.۴۵	۲۰	مرگ و زندگی
۳.۰۵	۱۳۶	زمان
۵.۷۵	۲۵۶	مکان
۷.۳۶	۳۲۸	مفاهیم منطقی
۲.۱۸	۹۷	تشدید کننده
۰.۱۸	۸	شباهت‌نماها
۱۰۰	۴۴۵۲	مجموع

جدول (۷) مقایسه انواع نخستی‌های معنایی به‌کاررفته در کتاب درسی پرفا ۱ را بر حسب تعداد و درصد نشان می‌دهد. همانطور که در جدول مشاهده می‌کنید، در مجموع ۴۴۵۲ نخستی معنایی در کتاب پرفا ۱ به کار رفته است و ۱۸.۷۳ درصد کل واژه‌های موجود در متن کتاب است. با توجه به داده‌های جدول، مشاهده می‌شود کنشگرها (ضمایر) با فراوانی ۱۹۷۲ پربسامدترین نخستی‌های معنایی موجود در کتاب پرفا ۱ است و ۸۱/۲۷ درصد کل نخستی‌های معنایی این کتاب را تشکیل می‌دهد. توصیف‌نماها با فراوانی ۴۱ معادل ۰.۹۲ درصد، مرگ و زندگی با فراوانی ۲۰ معادل ۰.۴۵ درصد و شباهت‌نماها با فراوانی ۸ معادل ۰.۱۸ درصد کم‌بسامدترین مفاهیم نخستی‌های معنایی به کار رفته در این کتاب است. نمودار (۱) میزان کاربرد نخستی‌های معنایی در کتاب پرفا ۱ را نمایش می‌دهد.



نمودار (۱) میزان کاربرد نخستی‌های معنایی در کتاب پرفا ۱

جدول (۸) آزمون کای دو، مقایسه نخستی‌های معنایی

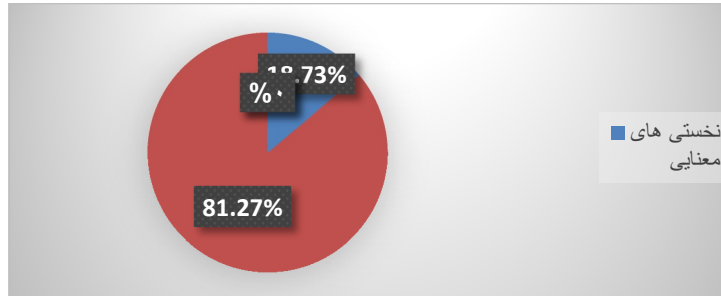
	Group
Chi-Square	12008.075 a
Df	15
Asymp. Sig	.000

نتیجه حاصل از آزمون کای دو نشان می‌دهد اختلاف میان انواع نخستی‌های معنایی، معنادار است.

جدول (۹) مقایسه نخستی‌های معنایی و دیگر واژه‌های به کاررفته در پرفا ۱

عنوان	فراوانی	درصد
نخستی معنایی	۴۴۵۲	۱۸.۷۳
واژه‌های دیگر	۱۹۳۲۱	۸۱.۲۷
مجموع	۲۳۷۷۳	۱۰۰

با توجه به جدول (۹) مشاهده می‌کنیم فراوانی کل واژه‌های به کاررفته در کتاب درسی پرفا، ۲۳۷۷۳ واژه است. از این تعداد نخستی‌های معنایی با فراوانی ۴۴۵۲، ۱۸.۷۳ درصد و سایر واژه‌ها با فراوانی ۱۹۳۲۱، ۸۱.۲۷ درصد از متن کتاب را تشکیل می‌دهند. فراوانی نخستی‌های معنایی و سایر واژه‌های موجود در کتاب پرفا ۱ را در نمودار (۲) مشاهده می‌کنید.



نمودار (۲) فراوانی نخست‌های معنایی و واژه‌های دیگر به کاررفته در پر فا ۱

جدول (۱۰)، نتیجه آزمون کای دو برای کل نخست‌های معنایی را نشان می‌دهد و بر اساس نتیجه حاصل، اختلاف معناداری بین انواع نخست‌های معنایی موجود در کتاب پر فا ۱ وجود دارد.

جدول (۱۰) آزمون کای دو، مجموع نخست‌های معنایی

	Group
Chi-Square	9299.927 ^a
Df	1
Asymp. Sig.	.000.

۵. نتیجه

در پژوهش حاضر به بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی در کتاب آموزشی پر فا ۱ پرداخته شد. ابتدا با کمک نرم‌افزار ONLINE MOTOR UTILITY درصد و فراوانی واژه‌ها و نخست‌های معنایی استخراج و در قالب جدول‌هایی نمایش داده شد. سپس به کمک نرم‌افزار SPSS تحلیل آماری و همچنین آزمون کای دو انجام شد. با توجه به یافته‌های پژوهش، نخست‌های معنایی به کار رفته در این کتاب درسی، فراوانی کمتری نسبت به صورت‌های واژگانی دیگر دارند. از میان ۲۳۷۷۳ واژه، نخست‌های معنایی با فراوانی ۴۴۵۲، ۱۸.۷۳ درصد متن کتاب آموزشی پر فا ۱ را تشکیل می‌دهند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده مشاهده شد در کتاب پر فا ۱، کنشگرها (ضمایر) پربسامدترین نخست‌های معنایی هستند. توصیف‌نماها با فراوانی ۴۱، مرگ و زندگی با فراوانی ۲۰ و شباهت‌نماها با فراوانی ۸ کم‌بسامدترین مفاهیم نخست‌های معنایی به کار رفته در این کتاب است. نمونه‌های نخست‌های معنایی «اگر و شاید» از طبقه مفاهیم منطقی، «لمس کردن» از طبقه کنش، رخداد، حرکت و تماس و «مردن»

از طبقه مرگ و زندگی در این کتاب به کار نرفته‌است و فراوانی صفر دارند. همچنین یافته‌ها نشان داد اکثر نموده‌های نخستی‌های معنایی در متن کتاب پرفا ۱ به کار رفته‌است.

بدیهی است نخستی‌های معنایی پیامدهای عمده‌ای در بهبود یادگیری واژگان زبان دوم در مراحل اولیه دارند. طبق تعریف، آنها واژگان رویه‌ای حداقلی هستند که در درک و توضیح واژه‌های دیگر کاربردی و سودمند هستند. نکته قابل توجه دیگر که ممکن است چندان واضح نباشد، این است که از لحاظ معنایی، همه معانی اصلی باید از قبل در واژگان ذهنی زبان اول زبان آموز وجود داشته باشد و برخلاف معانی خاص زبان دوم، شناسایی و یادگیری آنها مشکل نباشد. بنابراین، آشکار به نظر می‌رسد که مدرسان زبان و طراحان برنامه درسی، نخستی‌های معنایی را در مراحل اولیه مورد توجه خاص قرار دهند. بنابر اصل اساسی در رویکرد فرازبان معنایی طبیعی که بر توصیف معانی پیچیده بر حسب مفاهیم ساده تأکید دارد، در کتاب‌های آموزشی، استفاده از نخستی‌های معنایی - که در همه زبان‌ها وجود دارند - منجر به درک بهتر مفاهیم پیچیده برای فارسی‌آموزان می‌شود.

پانویس‌ها

1. Natural Semantic Metalanguage Approach
2. Semantic Primes/ primitives
3. Goddard
4. Wierzbicka
5. Mc Carthy
6. Trobevšek Drobnak, Frančiška
7. Tertium comparationis
8. Substantives
9. Descriptors
10. Similarity
11. Augmmentor/Intensifier
12. Ketorova, Elizaveta
13. Kinship terms
14. Eurocentrism tendencies
15. Lexical Semantics
16. Neostructualist
17. Componential Analyses
18. Conceptual Relations
19. Strong Lexicalization Hypothesis
20. Reductive Paraphrase
21. Referential

۲۲. آزمون کای دو یا خی دو آزمونی است که فراوانی‌های مورد انتظار را با فراوانی‌های تحقیق مقایسه می‌کند تا مشخص شود آیا تفاوت معناداری بین دو فراوانی وجود دارد یا خیر.

منابع

- تقوی، مرتضی. (۱۳۹۸). «رویکرد فرازبان معنایی طبیعی: بررسی و نقد کتاب ویرزبیکا»، پژوهش‌نامه انتقادی و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۱ (پیاپی ۷۵)، صص ۵۹-۸۰.
- سجادی، سیدمهدی و کریمی دوستان، غلامحسین. (۱۳۹۵). «رویکرد فرازبان معنایی طبیعی: فرض‌ها، مفاهیم و اهداف»، فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، شماره ۷، صص ۹۵-۱۱۳.
- طاهری اردلی، مرتضی و جهانگردی، کیومرث. (۱۳۹۱). «نظریه فرازبان معنایی طبیعی و فرهنگ‌نگاری»، اولین همایش زبان و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد کرج.
- کریمی، ربابه و مدرس خیابانی، شهرام. (۱۳۹۶). «بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (prospect1)»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، پاییز، شماره پیاپی ۶۳.
- میردهقان، مهین‌ناز و همکاران. (۱۳۹۷). پرفا ۱، تهران: نگارستان اندیشه.
- Geeraerts, Dirk. (1995). *Theories of Lexical Semantics*, London: Oxford University Press.
- Goddard, Cliff and Wierzbicka, Anna. (eds). (1994). *Semantic and Lexical Universals – Theory and Empirical Findings*. Amsterdam: John Benjamins.
- _____ .(2002). *Meaning and Universal Grammar – Theory and Empirical Findings* [two volumes]. Amsterdam: John Benjamins.
- Goddard, Cliff and Wierzbicka, Anna. (2007). Semantic primes and cultural scripts in language learning and intercultural communication. Amsterdam: *John Benjamins*, 105-124.
- Goddard. (2014). The Semantics of "Surprise" (and "Interest"). International Symposium on Describing and Expressing Surprise. Paris-Diderot.
- Kotorova, Elizaveta. (2018). Analysis of Kinship terms using natural semantic metalanguage: Anna Wierzbicka's Approach, *Russian journal of linguistics*, vol22, no3, 701-710.
- McCarthy, Michael. (1990). *Vocabulary*. Oxford: Oxford University Press.
- Moeller, Jack; Adolph, Winnifred R.; Hoecherl-Alden, Gisela; Berger, Simone; and Lalande, John F. II. (2005). *Deutsch Heute. Introductory German*. Boston/NY: Houghton Mifflin.
- NOCFL (National Office for Teaching Chinese as a Foreign Language). (2004). *New Practical Chinese Reader Textbook* [chief compiler Liu Xun, et al.]. Beijing: Language and Culture University.
- Trobevšk Drobnak, Franciška. (2009). On the merits and shortcomings of semantic primes and natural semantic metalanguage in cross-cultural translation, Faculty of Arts, University of Ljubljana.
- Wierzbicka, A. (2003). *Cross-Cultural Pragmatics: The Semantics of Human Interaction*, Mouton de Gruyter.
- _____. *Cross-Cultural Pragmatics*, Berlin: Walter de Gruyter.